

1-Review

Context

چقدر طول می کشه که شام رو حاضر کنی؟ خیلی گرسنه ام.

How long does it take you to **make** the dinner **ready**, I am very hungry.

زیاد طول نمی کشه.

It doesn't take so long.

بهت زنگ می زنم.

I am calling you.

چیزی شده؟ کاسه ای زیر نیم کاسه هست.

Is anything wrong? I smell a rat.

مشکل تو چیه؟ رنگت پریده

You are off color, what's wrong with you?

حالت تهوع دارم قرص داری؟

I have got a vomit, have you got any tablets?

چرا یه مسکن نمی خوری؟

Why don't you take a pain killer?

نیاز به مسکن نداری، می برمت دکتر.

You don't need a pain killer; I am taking you to a doctor.

کی عاشقته؟

Who loves you?

دوست داشتن != عاشق بودن
love != like

کی دوستت داره؟

Who likes you?

کی رو دوست داری؟

Who do you like?

کی به این پول نیاز داره؟

Who needs this money?

مامانت به کی نیاز داره؟

Who does your mother need?

هیچی نیاز ندارم.

I don't need anything.

برای چی برادرت رو اینجا دعوت نمی کنی؟

Why don't you invite your brother here?

مادرت چی شده؟ چرا نشسته اینجا هی داره **غر می زنه؟**

نغ نغ نکن غر نزن

What's wrong with your mother? Why is she sitting here, **nagging** over and over?

برادرت دکتري رو اینجا می شناسه؟ می خوام مادرم رو ببرم دکتر، حالش خوب نیست.

Does your brother know any doctors here? I am gonna take my mother to a doctor, she is **under the weather**.

حالش خوب نیست. (آمریکایی)

She is down.

مهمونی دارم، امشب می آیی؟

I have got a party, are you coming tonight?

کسی رو نمی شناسم، کجا پیام؟

I don't know anyone, where shall I come?

خیلی طول می کشه یه لیوان آب برام بیاری؟

Does it take so long to bring me a glass of water?

یه ساعت طول می کشه.

It takes 1 hour.

چقدر طول می کشه؟

How long does it take?

نگران نباش، زیاد طول نمی کشه.

Don't worry, it doesn't take so long.

بیشتر با ماشینت می آیی اداره یا با مترو؟

Do you often come to the office in your car or by metro?

بیشتر تاکسی می گیره.

He often takes a taxi.

پدرم بیشتر پیاده می آد اینجا.

My father often comes here on foot.

برای چی این موضوع را در جلسه مطرح نمی کنی؟

Why don't you bring up this subject at the meeting?

شروع کنیم؟ شروع کنیم. سؤالی داری؟ سؤالی ندارم. شروع کنیم.

Shall we start? Let's start, have you got any questions? I haven't got any questions, let's start.

Vocabulary

موش

Rat

بو کردن

Smell

مطرح کردن

Bring up

تهوع / استفراغ

Vomit

غر زدن

Nag

مسکن

Pain killer

فراهم کردن / آماده کردن

Provide / Prepare

nag /næ /
weather / w ð (r)/*****
provide /pr va d/
prepare /pr pe (r)/

استاد میگوید من گذشته رو به دو صورت درس میدم این تقسیم بندی فقط مختص من است و در هیچ کتاب گرامری نیست

گذشته بیست درصدی

در درس 13 درس داده میشود

was and were

دارای محرک "بودن" است

گذشته هشتاد درصدی: همان گذشته ساده

در درس 14 درس داده میشود

تغییرات فعلی جمله متنوع است و فعل های گوناگونی دارد

2-I was at home

Context

دیروز خونه بودم.

I was **at** home yesterday.

دیشب سر کار بودم.

I was **at** work last night.

دیروز اداره بودم.

I was **in** the office yesterday.

جلسه قبل غائب بودم.

I was absent last session.

دیشب تنها بودم.

I was alone last night.

دیروز مریض بودم.

I was sick yesterday.

هفته گذشته مأموریت بودم.

I was on mission last week.

شب گذشته جلسه بودم.

I was **at** the meeting last night.

دیروز خونه بودی.

You were at home yesterday.

دیروز خونه بود.

She was at home yesterday.

برادرم دیروز خونه بود.

My brother was at home yesterday.

خواهرم دیروز خونه بود.

مهم ترین محرک این درس مشتقات

بودن است

بود/بودم/بودی/بودید/بودند

My sister was at home yesterday.

همکارم دیروز خانه بود.

My colleague was at home yesterday.

پیتر دیروز خانه بود.

Peter was at home yesterday.

جانت دیروز خانه بود.

Janet was at home yesterday.

پیتر و جانت دیروز خانه بودند.

Peter and Janet **were** at home yesterday.

دخترم دیروز خانه بود.

My daughter was at home yesterday.

پسرم دیروز خانه بود.

My son was at home yesterday.

اونها دیروز خانه بودند.

They were at home yesterday.

کلاس بودم.

I was **in** the class.

مأموریت بودم.

I was on mission.

مرخصی بودم.

I was on leave.

برعکس، حاضر بودم.

On the contrary, I was present.

توی جاده بودم.

I was **on** the road.

توی راه بودم.

I was **on** the way.

اتاق عمل بودم.

I was **in** the **operation room**.

تنها بودی.

You were alone.

جلسه بودی.

You were at the meeting.

مسافرت بودی.

You were on a trip.

مأموریت بودی.

You were on mission.

استادیوم بودی.

You were **at** the stadium.

توی کلاس بودی.

You were in the class.

مادرم اینجا بود.

My mother was here.

برادرم توی کلاس بود.

My brother was in the class.

خواهرم شمال بود.

My sister was **in** the north.

دخترم سر کلاس حاضر بود.

My daughter was present in the class.

بچه هام توی کلاس بودند.

My children were in the north.

خونه بودی؟

Were you at home?

سر کار بودی؟

Were you at work?

کلاس بودی؟

Were you in the class?

بیمار بودی؟

Were you sick?

جاده بودی؟

Were you on the road?

برادرت مرخصی بود؟

Was your brother on leave?

دخترت ایران بود؟

Was your daughter in Iran?

دیشب اینجا بودی؟

Were you here last night?

مریض بودی؟

Were you sick?

برای چی مریض بودی؟

Why were you sick?

برای چی تنها بودی؟

Why were you alone?

برادرت ایران بود؟

Was your brother in Iran?

کی برادرت ایران بود؟

When was your brother in Iran?

کجا بودی؟

Where were you?

مادرت دیشب کجا بود؟

Where was your mother last night?

بچه هام.... بودند.

My children were

رئیس.... بود.

My boss was

شوهرت.... بود؟

Was your husband...?

همسایه ات.... بود؟

Was your neighbor...?

Vocabulary

اتاق عمل

Operation room

جراحی

Surgery

به صورت لاست تلفظ
last /l st/ ****
میشه نه لست
work /w k/ ***
stadium /ste d m/
mission /m n/
operation /p re n/
surgery /s d ri/
alone /l n/
present /pr z nt/

Context

خب آقای بریک، دیروز کجا بودی؟

Well Mr. Brake, where were you yesterday?

هفته گذشته کجا بودی؟

Where were you last week?

ماه گذشته کجا بودی؟

Where were you last month?

سال گذشته کجا بودی؟

Where were you **last year?**

دو سال قبل کجا بودی؟

Where were you 2 years ago?

سه سال قبل کجا بودی؟

Where were you 3 years ago?

چهار ماه قبل کجا بودی؟

Where were you 4 months ago?

دو ساعت قبل کجا بودی؟

Where were you 2 hours ago?

سه هفته قبل کجا بودی؟

Where were you 3 weeks ago?

دو هفته پیش کجا بودی؟

Where were you **fortnight** ago?

شب پیش کجا بودی؟

Where were you last night?

چه ساعتی منظورت؟

What time do you mean?

چی منظورته؟

What do you mean?

منظورت از این تصویر چیه؟

What do you mean **by** this picture?

از دستت عصبانی هستم.

I am angry with you.

منظور مامانت از این حرفها چیه؟

What does your mother mean by **these words**?

2 نصف شب کجا بودی؟

Where were you at 2 A.M?

خونه بودم.

I was at home.

جلسه بودم.

I was at the meeting.

وسط جلسه بودم.

I was **in the middle of the meeting**.

توی جاده بودم.

I was on the road.

بیهوش بودم.

I was **unconscious**. **unconscious != conscience**

با وجدانم چیکار کنم با کشتن این شخص؟

What shall I do with my **conscience** with killing that guy?

خونه نبودم.

You weren't at home.

سرکار نبودى.

You weren't at work.

مريض نبودى.

You weren't sick.

مرکز لندن نبودى.

You weren't in **central London**.

جی بی آر نبودى. (یه بازار در دبی)

You weren't in JBR.

حومه شهر بودى.

.You were in the **suburb**/the **country**

مرکز بسمت پائین شهر بودى.

You were in down town.

خونه بودم.

I was at home.

مريض بودم.

I was sick.

بیمارستان بستری بودم.

I was **bedridden** in the hospital.

پدرم بیمارستان بستریه.

My father **is** bedridden in the hospital.

پدرت بیمارستان بستریه؟

Is your father bedridden in the hospital?

چرا پدرت بیمارستان بستریه؟

Why is your father bedridden in the hospital?

چرا بیمارستان بستری بودى؟

I was in the hospital

یعنی من بیمارستان بودم، ولی الزاما این معنی را تمیده که
به دلیل بیماری در بیمارستان بودم
:اگر بخوام بگم بدلیل بیماری در بیمارستان بودم باید بگم
در بیمارستان بستری بودم

bedridden فعل نیست

بلکه به کمک فعل توبی میاد

Why were you bedridden in the hospital?

کی بیمارستان بستری بودی؟

When were you bedridden in the hospital?

چه مدت توی بیمارستان بستری بودی؟

How long were you bedridden in the hospital?

چند وقت قبل توی بیمارستان بستری بودی؟

How long ago were you bedridden in the hospital?

از دوست دخترم بپرس.

Ask my girlfriend.

از پدرم بپرس.

Ask my father.

از شوهرم بپرس.

Ask my husband.

چرا از شوهرم نمی پرسی؟

Why don't you ask my husband?

چرا از دوست دخترم نمی پرسی؟

Why don't you ask my girlfriend?

با من بود.

She was with me.

مادرت با من بود.

Your mother was with me.

خانمت مسافرت باهات بود؟

Was your wife with you on a trip?

دیشب بچه هات باهات بودند؟

Were your children with you last night?

کی باہات بود؟

Who was with you?

کیا باہات بودند؟

Who were with you?

تو پیش کی بودی؟

who were you with?

مامانت با کی بود؟

Who was **your mother** **with**?

کی با مامانت بود؟

Who was **with** **your mother**?

شوہرت با کی بود؟

Who was your husband with?

کی با شوہرت بود؟

Who was with your husband?

کی با پسر ت بود؟

Who was with your son?

کی با رییس ت بود؟

Who was with your boss?

رییس ت با کی بود؟

Who was your boss with?

بچہ ہا ت پیش کی بودند؟

Who **were** your children with?

کی با بچہ ہا ت بود؟

Who **was** with your children?

شب گذشتہ کی باہات بود؟

Who was with you last night?

کیا پیش ت بودند؟

Who were with you?

از دوست دخترم بپرسید، اون دیشب پیشم بود.

Ask my girlfriend, she was with me.

می خواهیم بعداً باهاش صحبت کنیم.

We are gonna speak to her later.

بهاش بعداً باهاش صحبت می کنیم.

We are speaking with her later.

بعداً می خواهند چی کار کنند؟

What are they gonna do later?

بعداً چیکار می کنند؟

What are they doing later?

تا اونجایی که می دونم، اونها می خواهند بازداشتش کنند.

As far as I know, they are gonna arrest him.

اونها می خواند تبعیدش کنند.

They are gonna **exile** him.

بعداً باهاش صحبت می کنیم.

We are speaking with her later.

الان کجاست؟

Where is she now?

دقیقاً نمی دونم؟

I don't know **exactly**.

دقیقاً پاتوقش رو نمی دونم کجاست.

I don't know her **cozy place** exactly.

دوازدهم ژانویه

On January the 12th

on January the first
on January the second
on January the third

دوازدهم ژانویه کجا بودی؟

Where were you on January the 12th.

اول آگوست کجا بودی؟

Where were you on August the first?

دوم جولای کجا بودی؟

Where were you on July the second?

23م آپریل کجا بودی؟

Where were you on April the 23th?

اوایل ماه گذشته کجا بودی؟

Where were you early last month?

اواخر ماه قبل کجا بودی؟

Where were you late last month?

چهارشنبه ای بود.

It was a Wednesday.

نمی توانم بیادم بیارم.

I can't remember.

یادم نمی آد.

I don't remember.

یادت می آد؟

Do you remember?

تاریخش رو یادت می آد؟

Do you remember the date?

شما منچستر بودی.

You were in Manchester.

مسافرت بودی.

You were on a trip.

ژانویه زندان بودم.

I was in prison in January.

دوم ژانویه زندان بودم.

I was in prison on January the second.

آگوست مأموریت بودم.

I was on mission in August.

اول آگوست مأموریت بودم.

I was on mission on August the first.

پشت میله های زندان بودم.

I was behind the bars.

Vocabulary

بازجویی

Interrogation

بازجویی کردن

Interrogate

بیهوش

Unconscious

وجدان

Conscience

بستری

Bed ridden

حومه شهر

Suburb/the country

بازداشت کردن

fornight / f tna t/
Unconscious / n k n s/****
Conscience / k n ns/*****
central / s ntr l/****
bedridden / b dr dn/
Exile / ksa l/
cozy place / k zi ple s/
remember / r m mb /*****
Interrogate / nt r e t/

Arrest

تبعید کردن

Exile

پاتوق / دنج

Cozy

محل سرو مشروب / میله / تیرک دروازه

Bar

Conversation text

A: Well Mr. Brakes, where were you yesterday?

B: Yesterday? What time?

A: At 2 o'clock. Where were you at 2 o'clock?

B: I was at home.

A: You weren't at home. You were in central London.

B: No, I wasn't. I was at home. Ask my girlfriend. She was with me.

A: We are gonna speak to her later. Where is she now?

B: I don't know.

A: Ok. Where were you on January the 12th?

B: January the 12th?

A: Yes, it was a Wednesday.

B: I can't remember.

A: You were in Manchester.

B: No, I was.

A: Yes, you were.

B: No, I wasn't. I was in prison in January.

A: Oh!

4-Have your coffee, Help yourself

این درس ربطی به زمان گذشته نداره
انواع تعارف ها در این درس یاد داده میشه

Context

بفرمایید بدون وسیله

Here you are.

این دو قالب، بفرمایید برای تقدیم یک
وسیله به طرف مقابل هستند

بفرمایید پاسپورتتون.

بفرمایید همراه با وسیله

Here is your passport.

بفرمایید سیگار.

Have a cigarette.

قالب بفرمایید برای خوردن، نوشیدن،
کشیدن دخانیات

چاییتون رو بفرمایید.

Have your tea.

get شدن

قهوتون رو بفرمایید، داره سرد می شه.

Have your coffee, it's getting cold.

داری چاق می شی.

You are getting fat.

هوا داره سرد می شه.

The weather is getting cold.

بفرمایید میوه.

Have some fruits. not have your fruit

سالاد بفرمایید.

Have some salad.

برنج بفرمایید.

Have some rice.

پذیرایی کردن

Here you are.

از خودت پذیرایی کن. (سر سفره شام و نهار به کسی بگوییم بفرمایید)

Help yourself.

خونه خودته.

Make yourself at home.

بفرمایید داخل. (وقتی داخل هستیم و يك نفر در می زنه بهش می گیم بفرمایید تو)

Come in.

بفرمایید داخل. (وقتی از بیرون به يك نفر تعارف می زنیم که بره داخل)

Get in. == get inside

اول شما.

After you.

بفرمایید بشینید.

Take a sit.

Vocabulary

تعارف

Compliment

خرد/عقل

Wisdom

بشر

Man

سالم

Wealthy

Proverb

سحر خیز باش تا کامروا شی.

Early to bed, early to rise, makes man healthy, wealthy and wise.

salad / sæl d/
after you / ft ju /****
compliment / k mpl m nt/
wisdom / w zd m/
wealthy / w l i/